

امام رضا^(ع) و اهل حدیث؛ با تأکید بر گزارش‌های حاکم نیشابوری (نقدی بر ادعاهای سلفیگری)

علیرضا حیدری نسب^۱، سید محمدحسین موسوی^۲، ابراهیم نوری^۳

چکیده

اهل بیت^(ع) به‌ویژه امام رضا^(ع) مورد اقبال خاص ایرانیان از جمله اهل حدیث بودند و حاکم نیشابوری به تفصیل از حضور آن امام^(ع) در خراسان و عنایت ویژه مشایخ اهل حدیث به ایشان یاد کرده است. بر اساس این گزارش‌ها، بزرگان حوزه حدیثی اهل سنت نیشابور که استادان اصحاب جوامع روایی از جمله کتاب‌های شش‌گانه بودند، اهتمام زیادی به امام رضا^(ع) به‌عنوان فرزند پیامبر^(ص) و سند اختصاصی روایی حضرت داشتند. ملاحظه و تحلیل گزارش‌های ابو عبدالله حاکم از قصد و زیارت آستان امام رضا^(ع) توسط استادانی چون ابن خزیمه نیشابوری در کنار روایت‌هایی از پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) مبنی بر سفارش به زیارت آن امام^(ع) از مشروعیت و بلکه برکت‌های این زیارت حکایت دارد و نشان می‌دهد رفتار مدعیان پیروی از سلف صالح در دوره‌های بعد به‌ویژه در دوره معاصر در تحریم زیارت و تکفیر مسلمانان به سبب جرم‌هایی از این قبیل، بدعت و انحرافی بوده که در دوره‌های متأخر از سوی امثال ابن تیمیّه طرح و توسط جریان‌هایی خاص ترویج شده است. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی پی‌جوی این گزارش‌ها و بررسی چند و چون آنهاست.

واژه‌های کلیدی

امام رضا^(ع)، اهل حدیث، حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور

heydarynasab43@theo.usb.ac.ir

drmoosavi@theo.usb.ac.ir

enoori@theo.usb.ac.ir

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳. استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

امام رضا^(ع) به دلیل سفارش پیامبر^(ص) نسبت به ایشان و حضور در ایران، مورد عنایت بیشتر مردم شرق اسلامی به ویژه اهل حدیث^۱ بودند و ابو عبدالله محمد بن عبدالله معروف به حاکم نیشابوری از دانشمندان برجسته اهل حدیث و سنت و یگانه دوران، در دوره خود (۴۰۵-۳۲۱) به شمار می آید. او نگاشته های ماندگاری در علوم حدیث از خود به جا گذاشت. از معروف ترین آثار حاکم، تاریخ نیشابور، معرفه علوم الحدیث و المستدرک علی الصحیحین هستند. علاوه بر آن، کتاب هایی همچون فضائل فاطمه الزهراء^(س)، مقتل الحسین^(ع) و مناقب (مفاخر) الرضا^(ع) نیز در شمار آثار حاکم ذکر می شود که ویژه اهل بیت^(ع) نگاشته شده است. حاکم نیشابوری به سبب تألیف مستدرک و ذکر و تصحیح اخباری چون «طیر مشوی» و «من کنت مولاه» از سوی برخی دانشمندان اهل تسنن مورد بی مهری و حتی حمله قرار گرفت و با وجود آنکه در فقه، شافعی و در کلام، اشعری بود، به تشیع و رفض متهم شد (رک: حاکم نیشابوری، ۱۴۰۰ق: ز (مقدمه)؛ سبکی، بی تا، ج ۱: ۱۹۳؛ حیدری نسب، ۱۳۹۰: ۸۹).

او که علاقه خاصی به اهل بیت^(ع) از جمله امام رضا^(ع) داشت. برخلاف دیگر بزرگان اهل حدیث علاوه بر استخراج روایت های بیشتر و صریح تر در فضل اهل بیت^(ع) تا حدودی از دشمنان ایشان فاصله گرفت. گزارش های حاکم در ارتباط با حضور امام هشتم^(ع) در نیشابور و اهتمام اهل حدیث به ایشان - قبل و پس از شهادت - از برجستگی خاص و مفاهیمی برتر برخوردار است. این گزارش ها که از عنایت ویژه و شیفتگی بسیاری از بزرگان اهل تسنن به امام رضا^(ع) و برکت های تربیت و زیارتش در گره گشایی از مشکلات حکایت دارند، در تعارض با باور بعضی مدعیان تسنن و سلفی گری در دوران معاصر است. محور اصلی

۱. مراد از جریان اهل حدیث در اینجا، رویکردی در میان اکثریت جامعه اسلامی در سده های اول تاریخ اسلام است که در برابر اهل رأی و کلام، قرار داشتند و دانشمندان ایشان بیشتر با نقل، جمع و تألیف روایت ها سروکار داشته و به اهل سنت و جماعت یا اهل تسنن نیز به ویژه در ادامه معروف شدند.

بحث در این نوشتار ذکر، بررسی و تحلیل محتوایی گزارش‌های حاکم نیشابوری در اهتمام بزرگان اهل حدیث (و تسنن) به امام رضا^(ع) و برکت زیارت ایشان است.

اهل بیت^(ع) و ایرانیان

اهل بیت^(ع) به علت قرابت و همچنین سفارش پیامبر^(ص)، مورد اهتمام اصحاب مذاهب مختلف اسلامی هستند، اما در ارتباط با مصادیق ایشان اختلاف وجود دارد. گاهی مراد از اهل بیت^(ع) همان اصحاب خمسۀ کساء دانسته شده، گاه همسران پیامبر^(ص) هم به ایشان افزوده شده‌اند و گاهی نیز همه بنی هاشم و حتی همه امت، اهل بیت حضرت خوانده شده‌اند (رک: نیشابوری، بی تا، ج ۷: ۱۲۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۵۸ و ری شهری، ۱۳۷۵: ۲۱ به بعد).
در این میان، امامیه مراد از اهل بیت مورد سفارش خاص پیامبر^(ص) را همان ۱۲ امام^(ع) دانسته‌اند که این باور از پاره‌ای شواهد در میراث حدیثی اهل سنت مانند خبر ۱۲ امیر قریشی هم برخوردار است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۸۶ به بعد و ۵۲۵؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸: ۱۲۷).

عموم اهل حدیث از جمله اصحاب کتاب‌های شش گانه، از بین ۱۲ امام^(ع) تنها به اهل کساء که در شمار اصحاب‌اند اهتمام ویژه داشته، برخی تا امام صادق^(ع) را در شمار دانشمندان و راویان برتر قرار داده‌اند ولی برای شش امام دیگر اهل بیت^(ع) آن جایگاه را قائل نبوده و از طریق‌شان نیز حدیث نقل نکرده‌اند و با آنکه امام صادق^(ع) استاد بسیاری از بزرگان مذاهب بودند بسیاری از اصحاب حدیث نقل از ایشان را به دلایلی چون ترس از عباسیان، نقل انحصاری حضرت از پدران و عدم نقل از دیگر مشایخ فرو گذاشته و درباره حضرت اختلاف دارند (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۷).

ایشان از امام رضا^(ع) که مدتی در جایگاه ولایتعهدی در ایران بودند و در اثناء سفر، به ویژه در نیشابور با مردم و مشایخ گفت‌وگو و مناظره داشتند نیز ستایش و به ندرت برخی

روایت‌ها را از طریق ایشان نقل کرده‌اند.

حاکم نیشابوری که گاهی از اهل بیت^(ع) با تعبیر «اصحاب کساء» نام برده درباره‌شان ده‌ها خبر و منقبت ذکر کرده است که هم از جهت تعداد و هم از نظر محتوا با اخبار مناقب دیگران تفاوت دارد. وی تنها در کتاب *معرفة الصحابة*، در باب مناقب علی^(ع)، ۱۳۲ خبر و تحت عنوان اهل بیت^(ع)، ۱۲۶ روایت آورده است (۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۱۶ به بعد).

حاکم تحت عنوان «اهل رسول الله^(ص)» ۱۶ خبر ذکر و معلوم کرده که از نظر او، مراد از اهل بیت پیامبر^(ص) در رتبه نخست علی، فاطمه و حسنین^(ع) است. البته وی در پاره‌ای تعبیرها از سادات نیز به «اهل بیت» یاد کرده است (۱۴۰۰ق: ۵۵؛ همان، ۱۳۷۵: ۱۵۹، ۱۶۱ و ۱۷۴) که مراد، مفهوم عمومی آن یعنی هاشمی بودن، بوده و نه اهل بیت اصطلاحی که مورد اهتمام خاص خدا و رسول^(ص) است.

از جهت نقل نیز به‌عنوان نمونه علی^(ع) در سند بیش از ۵۰ روایت در کتاب *التفسیر مستدرک* قرار دارد. حداقل نقل حاکم از دیگر معصومان^(ع) در *مستدرک* چنین است: حضرت فاطمه^(س) سه روایت، امام حسن^(ع) شش روایت، امام حسین^(ع) چهار روایت، امام سجاد^(ع) ۹ روایت و امام باقر و امام صادق^(ع) هر کدام هشت روایت. حاکم، برترین طریق روایی اهل بیت^(ع) را طریق امام صادق^(ع) دانسته است (۱۴۰۰ق: ۵۵؛ حیدری‌نسب، ۱۳۹۰: ۳۴۵).

او در *تاریخ نیشابور*، امام رضا^(ع) را فرزند پیامبر^(ص) به حساب آورده و از حضرت اخبار و گزارش‌های ممتازی نقل کرده است که در ادامه محور سخن این نگاشته خواهد بود.

گفتنی است با توجه به جایگاه ویژه‌ای که پیامبر اکرم^(ص) برای اهل بیت^(ع) بیان کرده‌اند، ایرانیان، به‌ویژه در شرق اسلامی-خراسان و سجستان-اهتمام خاصی به خاندان رسالت نشان دادند (عاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۷۱ به بعد). ایشان با وجود دورافتادگی از مرکز تحولات جهان اسلام-حجاز، عراق و شام-به نیکی پایبندی خود به وصایای پیامبر^(ص) در ارتباط با خاندانش را ابراز کردند؛ خودداری از عمل به بخشنامه

عمومی لعن امام علی^(ع) توسط مردم سیستان (حموی، بی تا، ج ۳: ۱۹۱)، پناه دادن به مخالفان دستگاه خلافت و احیاناً اخراج والیان اموی، ساماندهی نخستین شورش‌ها و اعتراض‌ها بر ضد امویان به محض اطلاع از رخداد کربلا، همراهی با یحیی بن زید و در ادامه، براندازی خلافت اموی و به قدرت رساندن عباسیان به عنوان اهل بیت رسالت^(ع) یا استقبال بی مانند از امام رضا^(ع) در فرصت حضور در ایران و اهتمام به زیارت آستان آن حضرت در ادامه از شواهد این اهتمام است. بی مهری و احیاناً بدرفتاری، آن گونه که در حجاز، عراق و شام با اهل بیت^(ع)، پیروان یا مراقد شریف و مراسم ایشان گزارش شده است (به عنوان نمونه رک: مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸: ۲۵۵؛ ذهبی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۲: ۳۵؛ امین، بی تا، ج ۱: ۶۲۷ و کورانی عاملی، ۱۴۳۱ق: ۱۲ و ۲۲)، در ایران و به خصوص شرق اسلامی پیش نیامده یا با آنچه در نواحی پیش گفته اتفاق افتاده است قابل قیاس نیست. به عنوان نمونه از قتل امامان^(ع) و برخی پیروان آنان در حجاز و عراق که بگذریم، اختفای آثار و مراقدشان در این مناطق یا تخریب آنها یا درگیری‌های متعدد حنابله بغداد با شیعیان به عنوان نمونه‌هایی از بدرفتاری اعراب در این ارتباط می توان یاد کرد، چیزی که در ارتباط با امام رضا^(ع) و بارگاه ایشان در شرق اسلامی به چشم نمی خورد. این علاقه مندی و محبت که احیاناً از آن به تشیع هم یاد می شود، غالباً توسط زیدیان، اسماعیلیان و جعفری‌ها به ایران منتقل و به دو صورت گسترش یافت، شکل نخست آن، گرایش کلی به سمت اهل بیت^(ع) است که از طریق داعیان عباسی تبلیغ شد و دیگر، از طریق شیعیان اعتقادی یا امامی مذهبان صورت گرفت (جعفریان، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

با وجود آنکه به سبب پیشامد بعضی مشکلات از جمله فتنه واقفی‌ها - که مدعی بودند امام کاظم^(ع) مهدی امت بوده - شناخت امام اهل بیت^(ع) پس از امام کاظم^(ع) با برخی دشواری‌ها حتی در بین هاشمیان روبرو بوده است (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۳۵؛

عاملی، ۱۴۰۳ق: ۳۲۳ و معارف، ۱۳۸۹: ۲۹۲)، گزارش‌های مربوط به استقبال از امام رضا^(ع) در اثنای مسیر به طرف مرو از صواب رأی و رفتار عموم مردم ایران به‌ویژه بزرگان اهل سنت در نیشابور حکایت دارد. البته رفتار امام^(ع) طی این سفر تاریخی از جمله ترسیم جایگاه امامت با بیان حدیث «سلسله الذهب» (صدوق، بی‌تا: ۲۵) و پیوند دادن امامت اهل بیت^(ع) با توحید یا مناظره‌های متعدد با اصحاب مذاهب و ادیان مختلف سبب معرفی هرچه بهتر مکتب اسلام و میراث‌داران حقیقی شریعت یعنی ائمه^(ع) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۰) و گرایش بیشتر جامعه به طرف خط اصیل امامت اهل بیت^(ع) شد. لذا پس از آن، تشیع در ایران، خاصه در شرق اسلامی عمق و گسترش بیشتری یافت.

اهتمام خاص حاکم به امام رضا^(ع)

همان‌گونه که اشاره شد ابو عبدالله حاکم عنایت خاصی به اهل بیت^(ع) از جمله امام رضا^(ع) داشت. کتاب مناقب (مفاخر) الرضا^(ع) او از معرفت و علاقه‌اش به خط اصیل اسلام و وارثان حقیقی پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) حکایت دارد. البته دربارهٔ اینکه حاکم، کتاب مستقلی به نام مفاخر یا مناقب دربارهٔ امام رضا^(ع) داشته یا نه اختلاف است (جعفریان، ۱۳۸۴: ۳۶۹).

برخی افراد مانند ابن حمزه طوسی یا جوینی خراسانی از کتابی به این نام برای حاکم یاد یا اخباری از آن دربارهٔ امام رضا^(ع) نقل کرده‌اند (رک: ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۳ و ۵۶۶ و جوینی خراسانی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۱۷۵ به بعد) که مشابه این اخبار در دیگر آثارش چون تاریخ نیشابور و معرفة علوم الحدیث نیز به چشم می‌خورد. آنچه در این ارتباط با قاطعیت می‌توان گفت علاقه و ویژه او به اهل بیت^(ع) به‌ویژه امام رضا^(ع) است. لذا بعید نیست که حاکم این قبیل گزارش‌ها را در اثر مستقلی جمع کرده باشد. گرچه بعید هم نیست که او در ضمن تاریخ نیشابور به این امور پرداخته و آن

بخش به گونه‌ای مستقل در دسترس قرار گرفته باشد؛ مانند آنچه در ارتباط با نسائی گفته شده که او چون انحراف مردم شام از امام علی^(ع) را دید خصایص امیرالمؤمنین^(ع) را تألیف کرد؛ در حالی که از رهگذر بررسی معلوم می‌شود کتاب خصایص در واقع همان بخش فضائل امام علی^(ع) در سنن کبری نسائی است که جداگانه منتشر شده است. البته گزارش‌های جوینی آن گونه که خود تصریح کرده و مقایسه با گزیده‌ای که اینک از تاریخ نیشابور توسط خلیفه نیشابوری به دست رسیده نشان می‌دهد از این کتاب برگرفته شده است.

در اینجا به گزارش‌های حاکم درباره حضور امام رضا^(ع) اشاره و در ادامه تفصیل آن ذکر می‌شود. به نوشته حاکم در سال ۲۰۰ هـ. نیشابور با آمدن امام^(ع) منور شد و چون خبر آمدن حضرت به شیخ بزرگ نیشابور، اسحاق بن راهویه رسید با وجود کبر سن و به قصد قربت، همراه با چند هزار نفر از دوستان تا قریه مؤیدیه به استقبال آن امام همام^(ع) رفت. حاکم می‌افزاید: اسوه آزادگان، شیخ محمد بن اسلم طوسی به حکم تکلیف و امید ثواب، زمام مرکب سلطان^(ع) را گرفت و با نهایت احترام وارد شهر شد. از حضرت احکام و اسرار می‌پرسید و می‌گفت: «به روز قیام [نزد] ملک علام جلّ جلاله وسیله نجات و فلاح من این است که روزی در دنیا خادم و مهارکش مرکب حضرت سلطان خود بوده‌ام.»

بنا بر مشهور چهار سال در نیشابور اقامت کردند؛ اقامتگاه حضرت مهبط ارواح مقرران و مطاف ملائکه شد و این اقامت موجب برکت، بقای شهر و اجابت دعا شد (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸ و ۲۰۹).

محدثان و رجالیان اهل سنت و امام رضا^(ع)

حضور امام رضا^(ع) در شهر بزرگ نیشابور و پس از آن در مرو و در جایگاه ولایتعهدی باعث توجه هرچه بیشتر عام و خاص از حوزه بزرگ علمی تسنن به ایشان شد. ایرانیان

محب اهل بیت^(ع) از نزدیک با فرزند رسول خدا^(ص) روبرو و از فیض وجودی اش بهره‌مند شدند. رفتار مشایخ حوزه علمی بزرگ اهل حدیث در نیشابور که امام^(ع) را فرزند پیامبر^(ص) به حساب آوردند سبب شد پیشوایان اهل حدیث برای روایت‌ها و سند روایی ایشان اعتبار خاصی قائل شوند.

هنگام حضور امام^(ع) در نیشابور، بزرگان اهل حدیث چون محمدبن اسلم طوسی، احمدبن حرب، اسحاق بن راهویه، یحیی بن یحیی و ابوزرعه رازی در برابر آن بزرگوار و سند روایی اش تعظیم و تواضع کردند. ابن حنبل، عنایت ویژه‌ای به امام رضا^(ع) داشت و سند روایی ایشان را فوق‌العاده خواند: اباصلت هروی از طریق امام رضا^(ع) از پدرانش و از پیامبر^(ص) نقل کرد: ایمان سخنی است که گفته شود، عملی است که انجام گیرد و معرفت خرده‌است. وی افزود: این حدیث را در جلسه ابن حنبل خواندم و احمد گفت: اگر این اسناد بر دیوانه‌ها خوانده شود هشیار شوند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۰۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۶ و عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۶۲).

همچنین اباصلت گفت:

همراه با علی بن موسی^(ع) که سوار بر مرکب بودند، وارد نیشابور شدیم. دانشمندان آن سامان چون یاسین بن نصر، احمد بن حرب، یحیی بن یحیی و شماری از دانشمندان دیگر به سوی امام^(ع) شتافتند؛ لجام مرکب را گرفتند و گفتند: به حق پدران طاهرت برای ما حدیثی که از پدرت شنیده‌ای نقل کن! حضرت^(ع) فرمودند: پدرم، بنده نیک خدا، موسی بن جعفر^(ع)... از سرور عرب، علی^(ع) نقل نمود که از پیامبر^(ص) پرسیدم: ایمان چیست؟ فرمودند: شناخت قلبی، اعتراف زبانی و عمل به واجبات. احمد حنبل گفت: اگر این نمونه سند روایی بر دیوانه خوانده شود، هشیار شود! این حدیث عیبی جز نیکویی سند ندارد!

(قندوزی حذفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۲۴؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۶۲).

در ارتباط با مدت حضور امام^(ع) در نیشابور، اقوال مختلفی بیان شده است؛ در حالی که

حاکم، آن را چهار سال دانسته است، دیگران از حضوری محدود یاد کرده‌اند. برخی گفته‌اند امام^(ع) پس از اقامت چند روزه از آن شهر به قصد مرو خارج شدند. سایبانی بر سر حضرت قرار داشت که پشتش پیدا نبود. حافظان ابوزرعه رازی و محمد بن اسلم طوسی همراه انبوهی از طالبان علم و حدیث راه ایشان را گرفتند و با زاری و تضرع خواستند تا چهره شریف و مبارکشان را به آنان نشان دهند و از پدرانشان برایشان حدیثی روایت کنند. پس مرکب را نگه داشتند و از خدمتکاران خواستند تا ستار را کنار زنند. با دیدن صورت مبارکشان چشم آن جمعیت روشن شد؛ دستار بر شانه‌شان آویزان بود؛ برخی مردم فریادزن و گریان و بعضی دیگر خود را بر خاک می‌انداختند و پای مرکبشان را می‌بوسیدند؛ داد و شیون بالا گرفت، پس عالمان فریاد کردند: هان مردم گوش فرا دهید! حضرت در پاسخ به درخواست آن عالمان، سلسله سندشان از طریق پدران خود را تا امام علی^(ع) و ایشان از قول صاحب رسالت^(ص) و از قول جبرئیل و خدا حدیث «كَلِمَةُ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حُضِي...» بر مردم خواندند و سپس چهره در ستار و حرکت کردند. نویسندگان بیش از ۲۰ هزار بودند. در جای دیگر از قول اباصلت آمده است که گفت: احمد بن حرب، یحیی بن یحیی، اسحاق بن راهویه و گروهی از عالمان همین درخواست را داشتند که حضرت برایشان حدیث فوق را نقل کردند و در جایی هم ذکر شده که وقتی کاروان حرکت کرد امام^(ع) افزودند: توحید، شرطهایی دارد و من و اقرار به امامت من برای مسلمانان از شرط‌هایش است (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۴۴؛ قندوزی حذفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۱۲۲؛ حسینی میلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰: ۶۸ و همان، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۲۳).

در گزارش حاکم، تنها سخن از استقبال و آمادگی چند هزار قلم و دوات برای نگاشتن افاضات امام^(ع) آمده است (۱۳۷۵: ۲۱۲).

همچنین درباره علم و شخصیت امام رضا^(ع) گفته‌اند: او در جایگاهی از دین و دانش قرار داشت که در سن ۲۰ و اندی سال در مسجد النبی فتوا می‌داد (جوینی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۱۹۹؛

ابن دمیاطی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۱۳۵).

داناترین مردم روزگار، فقیه‌ترین و بزرگ‌ترین آنان بود. دانشمندان اسلام مطالب بسیاری در ابواب مختلف از او گرفته و در تألیف خود آورده‌اند. ابراهیم صولی گفت: ندیدم از امام رضا^(ع) چیزی سؤال شود مگر آنکه آنرا بداند. در دوران کسی را آگاه‌تر از وی به آنچه تا آن زمان اتفاق افتاده بود، ندیدم. در هر مسئله‌ای که مأمون او را می‌آمود جواب‌هایی می‌داد که همه‌اش برگرفته از قرآن بود. همچنین افزود: هر کس بگوید در فضل برایش ماندی دیده، دروغ گفته است. رجاء بن ابی ضحاک که به فرمان مأمون برای جلب حضرت همراهش بود، گفت: در هیچ آبادی فرود نمی‌آمد مگر آنکه مردم سراغ حضرت می‌آمدند، درباره معارف دینی از او می‌پرسیدند و او هم پاسخ می‌داد. برایشان از طریق پدر و اجدادش از علی^(ع) و از رسول خدا^(ص) بسیار نقل می‌کرد. رجاء افزود: هنگامی که بر مأمون وارد شدم از من در خصوص رخدادهای مسیر پرسید و وقتی خبر دادم، گفت: او برترین و آگاه‌ترین مردم روی زمین است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۹۵؛ امین، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۱ و ج ۲: ۱۴).

احمد حنبل، ابن ماجه قزوینی، ابوداود سجستانی و ترمذی روایت‌هایی از امام^(ع) ذکر کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۲۷۰؛ عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۳۴۰ - ۳۳۸؛ حسینی میلانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۲۳).

ابن ماجه که امام رضا^(ع) را سرور بنی هاشم می‌دانست، از طریق اباصلت چنین روایت کرده است: ... ثنا علی بن موسی الرضا، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه، عن علي بن أبي طالب، قال: قال رسول الله صلي الله عليه وسلم «الایمان معرفة بالقلب و قول باللسان و عمل بالأركان»^۱ سپس افزوده است که اباصلت این سند را موجب سلامت مریض می‌دانست (بی‌تا، ج ۱: ۲۶).

۱. ایمان، شناخت قلب، سخن با زبان و عمل به واجبات است. - اگر این سند بر دیوانه خوانده شود هشیار شود. - اسناد این روایت به دلیل اتفاق بر ضعف اباصلت ضعیف است. این خبر در بسیاری از جوامع روایی فریقین آمده است. ابن ماجه، اباصلت را مجروح و در نتیجه، این روایت را ضعیف دیده است (به عنوان نمونه رک: بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۹ - ۴۸).

ابن حبان نیز پس از نقل جریان شربت مسموم توسط مأمون که بلافاصله سبب شهادت امام^(ع) شد؛ نوشته است:

مقبره حضرت در سناباد، بیرون نوقان در کنار قبر هارون الرشید قرار دارد که مشهور و مزار است. نوبت‌های متعدد آنرا زیارت کردم و هنگام اقامت در توس هیچ مشکلی برابم پیش نیامد مگر آنکه قبر علی بن موسی الرضا (صلوات الله علیه و علیه) را زیارت نموده و از خدا رفع مشکل را درخواست نمودم، پس اجابت و سختی آن از من برطرف شد و این مسئله‌ای است که مکرر تجربه کرده و نتیجه گرفته‌ام؛ خداوند ما را با محبت مصطفی و تمامی خاندانش بمیراند (۱۳۹۳ق، ج ۸: ۴۵۶).

حاکم نیشابوری در کتاب تاریخ نیشابور که از جمله منابع رجال به حساب می‌آید، به تفصیل و مکرر از امام رضا^(ع) یاد و ستایش‌های فراوان کرده است. اصل این اثر که نوشته مفصلی بوده، اینک در دست نیست و اکنون تنها گزیده‌ای از آن وجود دارد که توسط خلیفه نیشابوری روایت شده است. خلیفه از چگونگی گزینش خود چیزی نگفته، اما طبق شواهد، این گزیده برآیند دیدگاه‌های حاکم از جمله درباره امام^(ع) است که در ادامه به تفصیل می‌آید. حاکم از ابوبکر محمدبن مؤمل نقل کرده است که گفت: همراه امام اهل حدیث، ابن خزیمه و باجناقش، ابوعلی ثقفی و گروه بسیاری از مشایخ به قصد زیارت علی بن موسی^(ع) در توس خارج شدیم. ابن خزیمه در برابر آن بقعه به گونه‌ای تعظیم، تواضع و زاری نشان داد که تعجب کردیم (جوینی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۱۹۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۲۷۰؛ عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۳۴۰ - ۳۳۸ و حسینی میلانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۲۳).

ذهبی، امام^(ع) را چنین معرفی کرده است:

امام ابوالحسن علی الرضا^(ع) از پدر، عموهایش و ... حدیث شنید و در جایگاه برتری از علم، دین و سیادت بود؛ گفته شد در روزگار مالک و در جوانی فتوا می‌داد؛ مأمون او را به خراسان خواند؛ وی را بسیار تعظیم و به‌عنوان ولیعهدش تعیین کرد که با مخالفت خاندانش

مواجه شد. زود از دنیا رفت و ضعفایی چون ابصلت و طائی از او روایت کردند؛ گفته شده ابن حنبل و امیر خالد ذهلی و ... هم از او روایت کردند. طرق روایی اش کمتر صحیح است. عظیم الشان و شایسته خلافت بود، ولی بر او دروغ بسته‌اند. رافضیان درباره اش دروغ گفته و با ناروا او را ستوده‌اند (۱۴۱۳ق، ج ۹: ۳۹۲ - ۳۸۷ و ۱۴۰۷ق، ج ۱۴: ۲۶۹).

ابن حجر هیثمی، امام رضا^(ع) را پرآوازه‌ترین و ارجمندترین بنی‌هاشم در روزگارش شمرد؛ لذا مأمون او را در موقعیت خواص خود قرار داد؛ دخترش را به او داد و در امر خلافتش شریک کرد. وی سپس به تفصیل از برخی کرامت‌های امام^(ع) و استقبال بزرگان نیشابور چون ابوزرعه رازی، محمدبن اسلم طوسی و طلاب از امام^(ع) یاد کرده است. حضرت حدیث «إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي...» را با سند ویژه اهل بیت^(ع) برای مردم خواندند که بالغ بر ۲۰ هزار کاتب می‌نوشتند. وی همچنین حدیث «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ...» را از قول امام^(ع) یاد کرده و افزوده است: احمد حنبل این سند را موجب هشجاری مجنون دانسته است (۱۴۲۰ق: ۳۰۹).

تفصیل گزارش‌های حاکم نیشابوری از امام رضا^(ع)

بی‌گمان حوزه علمیه نیشابور، بزرگ‌ترین و باسابقه‌ترین حوزه اهل سنت در شرق اسلامی است و عموم بزرگان حدیث و رجال اهل سنت در این سامان تربیت یافته‌اند. حضور بسیاری از بزرگان و اقامت آنان در این حوزه چون عبدالله بن احمد حنبل، بخاری و مسلم از جایگاه برتر این حوزه در ارتباط با دانش حدیث و سنت حکایت دارد. رفتار بزرگان این حوزه که احیاناً امیرالمؤمنین فی الحدیث خوانده شده‌اند (زقزوق و دیگران، ۱۴۲۴ق: ۱۶۲) و از استادان بخاری، مسلم و دیگر محدثان بوده‌اند چون اسحاق راهویه، محمدبن اسلم طوسی، محمدبن رافع، یحیی بن یحیی نیشابوری، احمدبن حرب، ابوزرعه رازی و اهتمام بی‌مانندشان به سخن و شخصیت امام رضا^(ع) از جایگاه رفیع این امام و اهل بیت^(ع) در شریعت اسلام و معرفی خط

صحیح پیشوایی دینی حکایت دارد که به این ترتیب حجت برای پیروان سنت و حدیث و سلف صالح تمام خواهد شد. حاکم، در تاریخ نیشابور از اهتمام عموم ایرانیان به امام رضا^(ع) هنگام حضور در نیشابور یا پس از آن گزارش کرده است. این گزارش‌های متنوع در چند محور قابل ذکر و تحلیل است:

۱. ولادت امام^(ع) و حرکت به سوی خراسان

حاکم، با اوصاف و القاب خاصی از امام^(ع) چنین یاد کرده است:

چون سلطان اولیا، برهان اتقیا، وارث علوم المرسلین، مهبط اسرار رب العالمین، ولی الله، صفی الله، قلندة کبد رسول الله، غوث الامة و کشف العتمة يوم الاخذ بالنواص و اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال بموازین الاخلاص حین البحاث و الاستبناث يوم البعث۔ کما وعد فی المواقف الثلاث: ... سلطان المقربین يوم الحشر و الجزا الامام ابو الحسن علی بن موسی الرضا، صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین و اتباعهم اجمعین الی يوم الدین در مدینه در شهر ثمان و اربعین و مائة نور مقدس ایشان ظهور یافت و در شهر اربع و تسعین و مائة، به بصره، به درس حدیث و نشر علم به نصرت دین، آفتاب هدایت ایشان بر امت تافت و به تدوین نسخه مبارک صحیفه تقویت ملت حنیفه فرمودند، پس به مقتضای قضای ازل و حکم مبرم قدیم لم یزل به صوب خراسان عزیمت نمودند (۱۳۷۵: ۲۰۷).

۲. ورود امام^(ع) به نیشابور

ابوعبدالله حاکم گفته است: ابوالحسن رضا، امام شهید در سال ۲۰۰ وارد نیشابور شد و پس از چندی اقامت در نیشابور به درخواست مأمون راهی مرو شد. مدتی در آنجا بود و در ۲۰۳ق. با ۴۹ سال و شش ماه در سناباد طوس شهید شد. او نوشته است:

سلطان اولیا برهان اتقیا ... میراث بر دانش پیامبران، فرود آمد نگاه الهام پروردگار جهان، ولی خداوند، برگزیده او، پاره جگر رسول خدای، پناهگاه امت و اندوهزای خاطرها، در روز رستاخیز و درماندگی گناهکاران از برای رهایی و آزمون و سنجش اعمال به سنجۀ اخلاص، هنگام انگیزش و جستجو از رازها، آن گونه که خود وعده فرمود که در سه موقف: ... بساط شفاعت و بخشندگی بگسترده، آن سلطان مقربان حق در روز پاداش امام ابوالحسن علی بن موسی (ع) ... (همان: ۹۱ و ۲۴۷).

حاکم می افزاید: «رضا (رضی الله عنه) گفت: هر کو مرا، با دوری سرایم، زیارت کند، روز رستاخیز در سه جایگاه او را درمی یابم و از هول های رستاخیز می رهانم. آنگاه که نامه های اعمال از چپ و راست فراز آیند و به هنگام گذر از صراط و در برابر میزان»^۱ (همان: ۲۳۸).

۳. استقبال بزرگان حوزه نیشابور از امام (ع)

حاکم، استقبال از امام (ع) را به گونه ای زائدالوصف چنین گزارش کرده است: و در سنه مائین من الهجرة نیشابور به مقدم حضرت ایشان روضات جنان شد و چون بشارت سطوات شعضه اشعه آن نور بر قطر نیشابور میان سکان شهر مشهور شد قطب الأنام، کف العلماء، برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ ابویعقوب اسحاق راهویه مروزی قدس سره، شیخ شهر و مقدم ارباب کشف و ولایت بود در کبر سن آن شیخ مسن، زین منن به اقدام بر اشغال اقدام نمود به تأیید توفیق غیبیه تا قریه مؤیدیه با چند هزار صدیق رفیق در پی پیشوا رفتند.

و نقل است که حضرت سلطان، صلوات الله علی رسول الله و علی آله، در محفّه بر ناقه عضباء خود سوار بودند و قده اهل انس و ایناس شیخ محمد بن اسلم طوسی را، قدس سره، در محفّه دیگر اجلاس فرموده بودند. فایده، قبر این دو بزرگوار، در نیشابور، بر کنار خندق

۱. این روایت نیز در منابع متعدد فریقین وارد شده است از جمله: صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲؛ ۲۸۵؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱؛ ۱۴۵.

شادیاخ بر طرف راه روضه تلاجرد، در بنای یک صغه قوی به هم قریب است. و آن اسوه
احرار کمر بندگی بسته و به حکم من اغبرت قدماه فی سبیل الله حرمه الله تعالی علی التار
دامن تا تنمه ساق برکشیده و شربت وعده کمال قربت چشیده زمام خطام مرکب حضرت
امام اولیاء ملک علام بر دوش احترام گرفته و نقل است که متوجه به آن [قدوه] ابرار،
ذره وار، در هواء ولاء از ورا قهقری، به شهر باز آمد. استفاده احکام و استکشاف اسرار
می‌کرد و به زبان فصیح و عبارت صریح می‌گفت که «به روز قیام [نزد] ملک علام جلّ
جلاله وسیله نجات و وسیله فلاح من این است که روزی در دنیا خادم و مهارکش مرکب
حضرت سلطان خود بوده‌ام.»

وی ماجرای استقبال از امام^(ع) را مشهور و از افتخارهای نیشابور شمرده است، به
این صورت که در پای منبر امام^(ع) چند هزار ادوات و قلم اعیان امم برای نگارش افادات
ایشان به کار آمد.

او افزوده است: «حضرت سلطان این حدیث معنعن از آباء اولیاء اصفیاء خود تا حضرت
خواجه کائنات، صلوة الله و سلامه علیهم و علی آلهم الائمه المعصومین اجمعین الی یوم الدین، روایت
فرمودند که «التَّعْظِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَالشَّفَقَةُ عَلَيَّ خَلَقَ اللَّهُ»^۱ (همان: ۲۱۲).

۴. کرامت‌ها و برکت‌های وجود امام^(ع) در نیشابور

حاکم، از برخی کرامت‌های بی‌مانند امام^(ع) طی مدت حضور در نیشابور به قرار زیر یاد
کرده است:

اقامتگاه پربرکت

او گفته است:

۱. تعظیم به فرمان الهی و مهربانی نسبت به خلق خدا.

امام^(ع) در محله فز مقام اختیار کردند. بنا بر مشهور چهار سال در نیشابور توطن فرمودند و العلم عند الله و آن آستانه منزل مبارک- که مهبط ارواح مقربین و مطاف ملائکه علیین بود- مانده. بقای آن شهر [و] مال اولیا و ملاذ اصفیا و محل اجابت دعا و اشراف آن شهر بود و خدام آن آستانه ولایت مرتب و به انواع اعزاز و اکرام موظف می‌بودند (همان: ۲۰۸).

رونق گرفتن حمام سلطان

از جمله برکت‌های حضور امام^(ع) آن است که پس از پایان بازسازی حمامی خراب توسط مردم در آن محله، بدون هزینه و تلاش، آب در قنات بایر روان شد. حاکم می‌افزاید: «حضرت سلطان، صلوة الله علی رسول الله و علی آله الائمة المعصومین اجمعین، به آن حمام درآمدند و به شرف انتساب به حضرت ایشان متبرک شد و آن حمام به نام مبارک ایشان شرف اضافه یافت، «حمام سلطان» گفتندی.» حاکم، از وجود آن حمام و تبرک جستن خلق تا قرن چهارم گفته است (همان: ۲۰۹).

کاشتن بادام و بارآوری زود هنگام آن و سرنوشت بدکاران

کرامت دیگر، غرس بادامی به امر امام^(ع) است که در همان تابستان بار بسیار آورد و برگ، شکوفه، پوست و میوه‌اش سبب برگ و نوا و صحت و شفای مرضی بود. حاکم می‌افزاید:

سال‌ها پس از آن ایام، حاکم نادان و ستمگری قصد کرد با قطع درخت بادام در آنجا قصری بنا کند. عمارت تمام نشده بود که آن ظالم، معمار، نجار و دیگر عوامل در زمانی اندک مردند. بعد از چند سال حاکم ظالم دیگری همان قصد را کرد. به او ماجرا را یادآور شدند. او هم جدی نگرفت. بن آن درخت را که در زمین بود درآورد. باز هم وی و همه اقوامش قبل از پایان عمارت در مدتی کوتاه هلاک گشتند (همان).

تعلیم و تربیت

از دیگر کرامت‌های حضور حضرت در نیشابور آن است که، توانگری، امام^(ع) را دعوت به مهمانی کرد و مطابق معمول بزرگان مهمان را در بلندی صدر جلسه و دیگران را در کنار می‌نشانند. چون امام^(ع) وارد شدند، به تشریفات رایج توجه نکردند و در کنار جلسه نشستند، عادت و رسم جلسه‌ها عوض شد. حاکم گوید:

حضرت سلطان به متکا و نمارق مصفوفه پیشان صفة التفات نفرمودند و کنار صفة به شرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان شرف یافت. از آن حین تا قیام قیامت، در این دیار و سایر اقطار، کناره‌های صفة‌ها صدر صدور و منازل افاضل شد و به تبعیت آن یک بقعه، سایر بقاع- که آن نام داشت- دولت آن مکرمت و تعزز برداشت (همان: ۲۱۰).

تعیین قبله

یکی از مفاخر نیشابور تعیین جهت قبله توسط امام^(ع) است؛ نوشته‌اند:

روزی حضرت سلطان، صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله المعصومین، در مجلسی به نماز قصد فرمودند. کسی سؤال کرد که «محراب بر موضع قبله مستقیم هست؟» دست آن‌کس گرفتند و به انگشت مبارک اشارت فرمودند. باب کعبه در مواجهه نموده شد و آن محل تا [این] غایت متعین است بر طرف قبله شارع عام [که] از امام قهندز می‌گذرد واقع است (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۰).

۵. امام رضا^(ع) و زیارت

گزارش‌های حاکم در این ارتباط متفاوت و در چند محور قابل ذکر است: برخی گزارش‌ها از اهمیت زیارت قبور امامان^(ع) و سفارش به این امر حکایت دارند؛ حاکم، روایت کرده است: «قال علی بن موسی الرضا^(ع): "لاتشد الرحال الی شیئ من القبور الا الی

قبورنا^۱ (جوبنی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۲۱۸).

ابوعبدالله حاکم، سفارش معصومان^(ع) به زیارت قبر امام رضا^(ع) در خراسان را نیز نقل کرده است. وی آورده است که پیامبر^(ص) فرمودند: پاره وجودم به زودی در خراسان دفن می شود. هیچ مؤمنی او را زیارت نکند مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب و بدنش را بر آتش حرام کند. حاکم با سندش روایت نمود: الف. قال رسول الله^(ص): «ستدفن بضعة منی بأرض خراسان لا یزورها مؤمن إلا أوجب الله له الجنة و حرم جسده علی النار»^۲. ب. روایت دیگری که حاکم از طریق خود نقل کرده، چنین است:

سمعت وارت علم الأنبياء أبا جعفر محمد بن علی ابن الحسين بن علی بن ابی طالب يقول:
حدثنی سید العابدین علی بن الحسين، عن سید الشهداء الحسين بن علی، عن سید الأوصیاء علی
بن ابی طالب^(ع) قال: قال رسول الله^(ص): ستدفن بضعة منی بأرض خراسان، ما زارها مکروب إلا
نفس الله کرتهولا مذنب إلا غفر الله ذنوبه^۳ (جوبنی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۱۹۰-۱۸۹).

ابوعبدالله نیشابوری از امام کاظم^(ع) در سفارش به قبر فرزندش و اینکه ثواب ۷۰ حج و ... دارد هم یاد کرده است (جوبنی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۱۹۴).

از امام هادی^(ع) نیز همین سفارش و آداب زیارت را نقل کرده است:

صقر بن دلف قال: سمعت علی بن محمد بن علی الرضا يقول: من کانت له إلی الله حاجة فلیزر
قبر جدی الرضا بطوس و هو علی غسل و لیصل عند رأسه رکعتین و یسأل الله تعالی حاجته
فی قنوته فإنه یتستجاب له ما لم یسأله فی مأثم أو قطیعة رحم. و إن موضع قبره لبقعة من بقاع

۱. به قصد هیچ قبری جز قبور ما نباید حرکت کرد.

۲. به زودی پاره وجودم در خراسان دفن می شود، هیچ مؤمنی او را زیارت نکند مگر آنکه خداوند بهشت را بر او واجب و جسدش را بر آتش حرام گرداند.

این حدیث در منابع مختلف حدیثی آمده است از جمله نک: صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹: ۳۰.
۳. از وارت علم پیامبران^(ع) ابوجعفر محمد بن علی ... شنیدم که گوید: سید عابدان علی بن حسین^(ع) بر این روایت نمود از سید شهیدان حسین بن علی^(ع) و او از سرور اوصیا علی بن ابی طالب^(ع) که پیامبر^(ص) فرمودند: به زودی پاره وجودم در خراسان دفن می شود، هیچ صاحب اندوهی آن را زیارت نکند، مگر آنکه خداوند اندوهش را ببرد و هیچ گناهکاری زیارتش نکند، مگر آنکه خداوند گناهش را بیامزد.

الجنة، لا يزورها مؤمن إلا أعتقه الله من النار وأدخله دار القرار^(۱) (همان: ۱۹۳).

ابوعبدالله حاکم نقل کرده است که خود امام(ع) نیز از شهادت و محل دفن خود و اینکه هر کس به زیارتش آید گرفتار نخواهد شد یا خواب برخی افراد با حضور امام(ع) تأویل شده و گفته است (همان: ۱۹۱ به بعد).

بعضی گزارش‌های حاکم نیشابوری از اهتمام حضرت به زیارت برخی امامزادگان(ع) چون رفتن به زیارت امامزاده محروق(ع) در کنار ستایش‌های حاکم از عترت نیز از مشروعیت امر زیارت حکایت دارد.

گفتنی است در ناحیه خراسان و از جمله نیشابور، سادات و هاشمیان بسیاری حضور یافتند و اندیشه تشیع را با خود به این ناحیه آوردند. همین امر آشنایی و علاقه‌مندی ایرانیان با تشیع را به دنبال داشت. حاکم گفته است:

از مفاخر نیشابور دیگر آنکه حضرت سلطان، صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الایمه المعصومین و سلم، روزی فرمودند عبارتی که فی الجمله حکایت آن این است که «مخدوم ما اینجا مدفون است به زیارت ایشان رویم» و به روضه سلطان محمد محروق، در تلاجرد، تشریف آوردند... و حال آنکه سلطان محمد محروق در مرتبه نسب با والد حضرت سلطان، صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی جمیع آله الأئمة المعصومین، مساوات دارند. بیان هر دو نسب چنین ثابت و محقق است: الامام موسی بن الامام جعفر بن الامام محمد بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیرالمؤمنین ابوعبدالله الحسین بن امیرالمؤمنین و یعسوب المسلمین کرم الله وجههم و نسب دوم: الامام محمد بن الامام محمد بن الامام زید بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیرالمؤمنین ابی عبدالله الحسین بن امیرالمؤمنین و یعسوب المسلمین کرم الله وجههم (۱۳۷۵: ۲۱۱).

۱. صقرین دلف گفت: از امام هادی(ع) شنیدم که گوید: هر کس نزد خدا حاجتی دارد پس غسل کند و به زیارت قبر جدم علی بن موسی(ع) برود و نزد سر حضرت دو رکعت نماز خواند و در قنوتش از خدا حاجت خواهد؛ قطعاً اگر درخواستش جز در باب گناه یا قطع رحم باشد مستجاب شود. همانا آرامگاهش بقعه‌ای از بقاع بهشت باشد که هیچ مؤمنی آن را زیارت نکند مگر آنکه خدا او را از آتش آزاد و به بهشت وارد گرداند.

بعضی از گزارش‌های حاکم از اهتمام مشایخ اهل حدیث و سنت به زیارت امام^(ع) و قصد قبر وی و آثار این اهتمام می‌گوید که همه این امور از مشروعیت زیارت قبر امامان^(ع) و برکت‌های این زیارت‌ها حکایت دارد. گاهی از تجربه خودش و گاهی از تجارب دیگران در رفع نیاز و اهتمام به زیارت امام^(ع) یاد کرده است. بعضی گزارش‌ها چنین است: حاکم نیشابوری از ابوبکر محمدبن مؤمل نقل کرده است که گفت: همراه امام اهل حدیث، ابن خزیمه، باجناقش، ابوعلی ثقفی و گروه بسیاری از مشایخ به قصد زیارت علی بن موسی^(ع) در توس خارج شدیم. ابن خزیمه در برابر آن بقعه به گونه‌ای تعظیم، تواضع و زاری نشان داد که تعجب کردیم (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۳۳۸).

محمدبن علی بن سهل هم گفت: امر مهم دینی یا دنیایی برایم پیش نیامد که به سبب آن قبر امام رضا^(ع) را زیارت نموده و در آنجا دعا کنم، جز آنکه درخواستم اجابت شود. این را تجربه نموده‌ام (رک: جوینی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۲۲۰).

ابو عبدالله حاکم گفت:

خداوند بهترین کرامت این تربت را به من نشان داد. گرفتار نفرس بودم به گونه‌ای که جز با زحمت نمی‌توانستم حرکت کنم. خارج شدم؛ زیارت کردم و با پاپوشی از کرباس به نوقان بازگشتم. صبح فردا در نوقان بودم و ملاحظه کردم که آن درد از من رفته است و سالم به نیشابور برگشتم (همان).

حاکم از شفا یافتن زید فارسی با زیارت قبر امام^(ع) و دعا در آنجا چنین گفته است:

زید فارسی می‌گوید: دو سال در مرور گرفتار نفرس بودم به گونه‌ای که نمی‌توانستم بایستم و نماز را ایستاده بخوانم. در خواب دیدم که می‌گویند چرا به زیارت قبر رضا^(ع) نمی‌روی تا پایت را به قبرش بمالی و در آنجا خدای متعال را بخوانی تا مشکل تو رفع شود؟ مرکبی تهیه نمودم و به طوس آمدم و پایم را به قبر مالیدم و خدای باعزت و جلالت را خواندم. پس آن نفرس و درد رفع شد و اکنون دو سال است که دیگر گرفتار نیستم (همان: ۲۱۹).

حاکم گفت و گویی از ابونواس با امام رضا^(ع) نقل کرده است که اشعار زیر را در مدح امام^(ع) خواند و ایشان به او صله دادند. اشعار چنین است:

مطهرون نقیات ثیابهم	تجری الصلاة علیهم اینا ذکروا
من لم یکن علویا حین تنسبه	فما له فی قدیم الدهر مفتخر
والله لما بدا خلقا فأتقنه	صفاکم و اصطفاکم أیها البشر
و أتمم الملاً الأعلی و عندکم	علم الكتاب و ما جاءت به السور ^۱

ابوعبدالله سپس افزوده است:

این فضل نسب امام علی بن موسی الرضا^(ع) فرزند مصطفی^(ص) و این مذهب اهل سنت و جماعت و اجماع علمای حجاز است و هر کس با این سخن مخالف باشد با کتاب خدا و سنت، مخالفت و با حق، دشمنی نموده و بر سروران بهشت و اولادشان تا قیامت اظهار تعصب نموده است (همان: ۲۰۲).

حاکم جز این، موارد متعدد دیگری از بزرگواری ایشان بر اساس آیات قرآن یا اینکه امام رضا^(ع) در برابر بدخواهان در دربار و در حضور مأمون ایستاد، نماز باران خواند و ... را هم آورده است^۲ (رک: ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۳-۴۸۱؛ جوینی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۲۰۳ به بعد).

۱. امامان اهل بیت^(ع) پاک و پاکیزه‌اند و هرگاه نام آنان برده می‌شود، بر آنان درود و سلام فرستاده می‌شود. هر آن کس که علوی نبوده و منسوب به خاندان علی^(ع) نباشد، دارای بزرگی و عظمت نخواهد بود. چون خداوند، مخلوقات را آفرید، شما را از هر عیب و نقص پاک کرد و شما را از تمام مخلوقاتش برگزید. شما اهل بیت^(ع) از عالم قدس و ملکوتید و دانتش تمام قرآن و سوره‌های قرآن نزد شما است.

۲. گفتنی است اهتمام به زیارت امام رضا^(ع) محدود به موارد فوق و نقل حاکم نیست. از سوی بعضی زمامداران یا دانشمندان بزرگ دیگر تسنن چون ابومنصور بن عبدالرزاق، سلطان محمود غزنوی، ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، منتجب‌الدین جوینی و امام محمد غزالی نیز همین رفتار نقل شده است (رک: جعفریان، ۱۳۷۸، دفتر پنجم: ۲۲۷ به بعد).

بررسی و تحلیل

۱. طهارت و عصمت امامان (ع)

مسئله طهارت و صداقت، از خصلت‌های برتر و صفات ضروری برای پیشوایی دینی است؛ امری که در امامان اهل بیت (ع) به نحو کامل‌تری وجود داشته است، اما دورافتادگان از مکتب امامت با وجود نیافتن هرگونه آلودگی و لغزش از امامان (ع) کمتر بدان اعتراف کرده‌اند. ایشان که در بستر فکری متفاوتی زیسته و پاره‌ای اندیشه‌ها را از قبل پذیرفته‌اند، در برابر برخی روایت‌های منقول از امامان (ع) که با باورهای پیشین آنان هماهنگ نمی‌نماید گاهی اوقات خودِ امام (ع) را تخطئه کرده‌اند و گاهی تقصیر را به گردن راویان و طرق نقل از ایشان انداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، ابن حبان با آنکه در پاره‌ای موارد از تجارب موفقش در زیارت بارگاه امام رضا (ع) یاد می‌کند، در جای دیگر حضرت را به نقل برخی مطالب خطا و پنداری متهم می‌سازد (بی‌تا، ج ۲: ۱۰۶).

در برابر این برخورد، برخی رجالیان تسنن، امام (ع) را تبرئه کرده و می‌گویند: تقصیر در ارتباط با نقل‌هایی که ابن حبان خطا دیده و متوجه راویان وی چون اباصلت و طایی است (ذهبی، ۴۱۳ق، ج ۹: ۳۹۲ - ۳۸۷، ج ۱۳: ۱۱ و ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۶۹).

در این میان، رفتار محدثان بزرگ نیشابور به‌ویژه حاکم از وجود باور به طهارت و وثاقت آنان نسبت به ائمه (ع) حکایت دارد. تعبیر مکرر «طاهرین» و «معصومین» در کلام حاکم در این جهت بسیار قابل توجه است. این در حالی است که بعضی متأخران مدعی‌اند اهل سنت بر نفی عصمت حتی از خلفا و افاضل مسلمانان ادعای اتفاق نظر دارند (رک: غزالی، ۱۴۱۷ق: ۱۶۸؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۳۷۴؛ ج ۶: ۴۳۴، ۴۳۵ و ۴۵۱).

۲. امامان (ع) و نقل از رسول خدا (ص)

در گزارش‌های حاکم، سخن از اهتمام خاص مشایخ نیشابور به سخن امام (ع) و درخواست نقل آنچه از پدران خود شنیده‌اند و اینکه حضرت به نقل حدیث «معنعن» از آنان (ع) پرداخته،

آمده است. باید گفت رخدادهای پس از رحلت رسول الله^(ص) گام به گام، اهل بیت^(ع) را از جایگاه واقعی خود دور و اسباب انزوا و فراموشی آنان را فراهم کرد؛ به گونه ای که در ادامه هماهنگی و انطباق رفتار و گفتارشان با سنت پیامبر^(ص) مورد تردید و انکار واقع شدند و احیاناً سیره دیگران بر میراث بی مانند و اصیل ایشان ترجیح یافت. به عنوان مثال ابوبکر بن ابی عیاش، مسموعاتش از امام صادق^(ع) را به این دلیل که نقل از پدرانش^(ع) است نقل نمی کرد (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸۷؛ معارف، ۱۳۸۹: ۲۶۳) یا ابن تیمیه در ارتباط با سنت، زهری را از ابوجعفر باقر^(ع) داناتر شمرده و نوشته است: «به اتفاق اهل علم، زهری به احادیث، احوال، اقوال و افعال پیامبر^(ص) از معاصر خود ابوجعفر محمد بن علی داناتر بود» (۱۴۰۶ق، ج ۲: ۶۶۰ و ۴۷۰؛ ج ۴: ۵۱ - ۵۰ و ج ۵: ۱۶۴).

این در حالی است که امام باقر^(ع) شکافنده علم معرفی شده اند (خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ۲۴۳ و ابن صباغ، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۸۸۲).

با این وصف، گزارش اشتیاق مشایخ نیشابور به شنیدن سخن امام^(ع) و تجلیل از سند روایی حضرت از مقبولیت و اعتبار بی مانند روایت های اهل بیت^(ع) توسط پیشوایان اهل حدیث نیشابور حکایت دارد. از سوی دیگر، اینکه حضرت در چنین مواردی طریق خود در نقل را ذکر می کنند ولی در بسیاری موارد طریقتشان را نمی آورند، حاکی از آن است که امامان^(ع) هنگام مواجهه با کسانی که ایشان و طریق دانش آنان^(ع) را همانند دیگران می دیدند - مانند اهل سنت نیشابور - طریق نقل را ذکر می کردند، ولی هنگامی که با شیعیان مواجه بودند نیازی به ذکر طریق روایی خود نمی دیدند، زیرا ایشان به امانت و صداقت امامان^(ع) اعتقاد داشتند (معارف، ۱۳۸۹: ۲۶۳).

۳. زیارت امام رضا^(ع)

در بعضی منابع، اخباری وارد شده و حاکی از آن است که پیامبر^(ص) از نماز خواندن در

قبرستان، زیارت کردن مقابر، مسجد ساختن بر قبور و گذاشتن چراغ بر آنها را ممنوع و مرتکبان را لعن کرده‌اند. به‌عنوان نمونه از ابن عباس نقل است که حضرت خانم‌های زائر قبر و کسانی که بر مقابر مسجد بسازند یا بر آن چراغ بگذارند را لعنت کرده‌اند (سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۸۷؛ ابن ماجه، بی تا، ج ۱: ۵۰۲).

بدین لحاظ، برخی مدعیان سلفی‌گری، زیارت قبور، نماز و دعا در قبرستان و بنای بر قبر را انکار نموده‌اند و آن را نامشروع دانسته‌اند. ابن قیم گوید: اگر دعا و نماز یا تبرک به آن فضیلت، سنت و مباح بود مهاجر، انصار و تابعان چنان می‌کردند و این امر نقل شده بود (غریب، بی تا، ج ۱: ۳).

ایشان اخباری از قبیل آنچه توسط حاکم در ارتباط با اهمیت زیارت قبور آمده را ساخته رافضیان و شیطنی دانسته‌اند و ادعا کرده‌اند نماز و دعا در گورستان به گمان اینکه به اجابت نزدیک‌تر بوده، به اجماع مسلمانان ضلالت و حرام است. قصد سفر به طرف قبر و حتی مسجدی جز سه مسجد (مکه، مدینه و اقصی) و حتی برای عبادت، ممنوع و گناه است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۴۷۴ و ۴۸۳؛ ج ۲: ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰ و ج ۳: ۴۵۱).

ایشان که وجود حرم برای اولیای الهی و از جمله امامان علی و حسین^(ع) را خلاف شرع دانسته‌اند، گویند ساختن و بنای بر قبور، کار باطنی‌ها و آل‌بویه بوده که به قصد تخریب عقاید اسلامی دنبال و بذرش توسط شیعه پاشیده شده است. زیارت مراقد همانند کار مشرکان و هندویان است، لذا ابن قیم، تخریب این مراقد را واجب‌تر از ویرانی مسجد ضرار می‌داند (غریب، بی تا، ج ۱: ۱۱، ۴۴، ۴۵، ۵۹، ۶۹ و ۱۰۳).

ابن تیمیه، روایت‌های مربوط به جواز زیارت قبور یا حاکی از اجابت دعا با زیارت را دروغ، اشتباه یا بی‌ارزش دانسته و افزوده است: «چه‌بسا سبب اجابت دعا در هنگام زیارت قبور اضطراب و صداقت دعاکننده و شاید هم مجرد رحمت الهی به فرد، قضای الهی - نه به‌خاطر دعایش - یا دلایل دیگر باشد» (۱۳۶۹ق، ج ۱: ۳۲۰؛ غریب، بی تا، ج ۱: ۸۶).

در مقام تحلیل باید گفت ۱. سخنان ابن تیمیه با رفتار بزرگان اهل حدیث ناسازگار است؛ ۲. عدم اخلاص و رفتار شرک‌آلود زائران قبور باید مانع اجابت دعا باشد! و اگر با این وجود، دعا و زیارت موجب اجابت شود، این امر اغراء به جهل و تأیید آن رفتار توسط شارع است؛ ۳. نزول رحمت یا قضای الهی تنها بر اساس حکمت و در چارچوب توحید خواهد بود که اگر امر زیارت قبور منافی توحید باشد دعا نباید اجابت شود؛ ۴. آنچه از سخنان وی آشکار است اصرار بر انکار شواهد و دلایل زیارت است که آنرا بدون برهان بر دلایلی نامعلوم معلق کرده است.

مطابق این رویکردها در دوره‌های مختلف از جمله در دوره معاصر و به‌ویژه در سال‌های اخیر، امواجی از تکفیر مسلمانان و تهاجم به اماکن مقدس راه افتاده است؛ چیزی که درست بر خلاف رفتار مشایخ بزرگ اهل حدیث چون ابن خزیمه، ثقفی، ابن حبان و حاکم نیشابوری است. مطابق گزارش‌های حاکم، پیامبر^(ص) و اولاد طاهرین ایشان به زیارت امام رضا^(ع) سفارش کرده‌اند. لذا بزرگان اهل حدیث از جمله ابن خزیمه نیشابوری از آن سامان به قصد زیارت امام رضا^(ع) حرکت کرده‌اند و به گونه‌ای در برابر آن بقعه، تواضع، تعظیم و فروتنی نشان داد که خاندان‌ها و گروه‌های مختلف حاضر از آن تعجب کرده‌اند و با ملاحظه این رفتار از کسی چون ابن خزیمه پی به مشروعیت و فضل این زیارت برده‌اند (جوینی خراسانی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۱۹۸).

همچنین حاکم از تجربه‌های خود و دانشمندان مختلف تسنن در زیارت مشهدالرضا و شفابخشی آن مکرر گزارش داده است.

با توجه به جایگاه ممتاز این دانشمندان که بعضاً امیرالمؤمنین فی‌الحديث خوانده شده‌اند و رفتار حوزه نیشابور در ارتباط با امام رضا^(ع) و زیارت مرقدشان، جایگاه رفیع این امام^(ع) و اصالت فرهنگ اهل بیت^(ع) از سویی و میزان درستی و اصالت رفتار مدعیان پیروی از سلف صالح- که درواقع پیرو کسانی چون ابن تیمیه در قرن‌های بعدی هستند - از طرف دیگر

معلوم می‌شود. همچنین در جهت جمع میان اقوال متقابل می‌توان گفت حتی اگر احادیث نهی از زیارت قبور صحیح هم باشد به مقابر اهل بیت^(ع) ارتباطی نخواهد داشت؛ زیرا ایشان به موجب امثال حدیث ثقلین همسنگ قرآن و میراث‌داران معصوم علم پیامبر^(ص) هستند و تمام هستی خود را برای نشر اسلام و ترویج توحید صرف کردند.

۴. شفاعت امام^(ع)

مطابق پاره‌ای از اظهارهای مدعیان سلفی‌گری، حق شفاعت و انتظار آن از غیر خدا ممنوع و خلاف توحید بوده و درخواست شفاعت از مرده، درخواستی نادرست و ناممکن است (وادعی، ۱۴۲۰ق: ۱۹ به بعد).

گزارش‌های حاکم مبنی بر اینکه زیارت امام^(ع) سبب می‌شود ایشان در سه موقع (آنگاه که نامه‌های اعمال از چپ و راست فراز آیند و به هنگام گذر از صراط و در برابر میزان) برای گستراندن بساط شفاعت حاضر شوند یا اینکه بزرگان اهل تسنن به این امید به زیارت حضرت می‌رفتند، در تعارض با آن اظهارهاست.

نتیجه‌گیری

حضور امام رضا^(ع) در ایران اسباب آشنایی هرچه بیشتر مردم ایران را با معارف اسلامی به روایت اهل بیت^(ع) فراهم آورد و ایشان به‌ویژه مشایخ حوزه بزرگ حدیثی نیشابور اهتمام خاصی به اهل بیت^(ع) و از جمله امام رضا^(ع) نشان دادند که این امر از اصالت خط ایشان در ارتباط با دین حکایت دارد.

گزارش‌های برجسته حاکم نیشابوری از حضور امام رضا^(ع) و توجه خاص بزرگان تسنن به آن امام^(ع) و آستان او از مشروعیت این زیارت حکایت دارد. این گزارش‌ها سبب تصحیح نگرش اهل تسنن به اهل بیت^(ع) بوده است.

بی‌قراری عام و خاص و از جمله عالمان طراز اول اهل حدیث و بیش از ۲۰ هزار کاتب، در استقبال و درخواست حدیث از امام^(ع) در حوزه بزرگ نیشابور برای استماع و نگارش سخن امام^(ع) - آن‌هم از طریق پدران^(ع) - از وثاقت، طهارت، صداقت، ضبط، اعلی‌میت و امارت دینی این امام^(ع) در امر دین و صحت و اصالت سند اختصاصی روایی اهل بیت^(ع) حکایت دارد.

منابع و مأخذ

- ابن تيمية، أحمد بن عبد الحليم، (١٣٦٩ق). *اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة أصحاب الجحيم*. محقق محمد حامد الفقى، الطبعة الثانية القاهرة: مطبعة السنة المحمدية.
- ابن تيمية، أحمد بن عبد الحليم، (١٤٠٦ق). *منهاج السنة النبوية*. چاپ اول، بی جا: قرطبة.
- ابن حبان، محمد، (١٣٩٣ق). *الثقات*. چاپ اول، حیدرآباد: الثقافية.
- ابن حبان، محمد، (بی تا). *المجروحین*. مكة المكرمة: دارالباز للنشر و التوزيع.
- ابن دمیاطی، احمد بن ایبک، (١٤١٧ق). *المستفاد من ذیل تاریخ بغداد*. ابن النجار البغدادی، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن صباغ، علی بن محمد أحمد مالکی، (١٤٢٢ق). *الفصول المهمة فی معرفة الاثمه*. الطبعة الأولى، قم: دارالحديث للطباعة والنشر.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، (بی تا). *سنن ابن ماجه*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- أمین، محسن، (١٣٨٢ق). *كشف الارتباب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب*. الطبعة الثانية، قم: مكتبة الحرمين.
- أمین، محسن، (بی تا). *اعیان الشیعة*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (١٤٠١ق). *المجامع الصحیح*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- بیهقی، احمد بن حسین، (١٤١٠ق). *شعب الایمان*. الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ترمذی، محمد بن عیسی، (١٤٠٣ق). *سنن الترمذی*. الطبعة الثانية، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- جعفریان، رسول، (١٣٧٨). *مقالات تاریخی، دفتر پنجم*. چاپ اول، قم: الهادی.
- جعفریان، رسول، (١٣٨٤). *تاریخ تشیع در ایران*. چاپ چهارم، قم: انصاریان.
- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، (١٤٠٠ق). *فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البیتول و السبطین و الاثمه من ذریعتهم*. محقق محمدباقر محمودی، بیروت: المحمودی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (١٣٧٥). *تاریخ نیشابور*. محقق شفیعی کدکنی، چاپ اول، تهران: آگه.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (١٩٨٠م/١٤٠٠ه). *معرفة علوم الحديث*. محقق سید معظم حسین، الطبعة الرابعة، بیروت: منشورات دارالآفاق الحديث.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (١٤٢٢ق). *المستدرک علی الصحیحین*. محقق مصطفی عبدالقادر عطا، الطبعة الثانية،

بيروت: دارالكتب العلميه.

حسينى ميلانى، على، (١٤٢٥ق). *استخراج المرام من استقصاء الانعام*. الطبعة الأولى، ناشر مؤلف.

حسينى ميلانى، على، (١٤٢٦ق). *نفحات الازهار فى خلاصة عبقات الانوار*. چاپ دوم، قم: الحقائق.

حموى، ياقوت، (بى تا). *معجم البلدان*. بيروت: دارالفكر.

حيدرى نسب، على رضا، (١٣٩٠). *حاكم نيشابورى و المستدرک على الصحيحين*. چاپ اول، تهران: علمى و فرهنگى.

خزاز قمى، على بن محمد، (١٤٠١ق). *كفاية الاثر فى النص على ائمة الاثنى عشر*. قم: بيدار.

ذهبي، شمس الدين محمد، (١٤٠٦ق). *سير اعلام النبلاء*. الطبعة الرابعة، بيروت: الرسالة.

ذهبي، شمس الدين محمد، (١٤٠٧ق). *تاريخ الاسلام*. الطبعة الأولى، بيروت: دارالكتاب العربى.

ذهبي، شمس الدين محمد، (١٤١٣ق). *سير اعلام النبلاء*. بيروت: الرسالة.

ذهبي، شمس الدين محمد، (بى تا). *العبر فى خبر من غير*. كويت: دائرة المطبوعات و النشر.

ذهبي، شمس الدين محمد، (بى تا). *تذكرة الحفاظ*. بيروت: دار احياء التراث العربى.

ذهبي، شمس الدين محمد، (بى تا). *ميزان الاعتدال*. بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر.

رى شهرى، محمد، (١٣٧٥). *أهل البيت فى الكتاب و السنة*. چاپ دوم، قم: دارالحديث.

زقزوق، محمود حمدى و ديگران، (١٤٢٤ق). *موسوعه علوم الحديث الشريف*. قاهر: وزارة الاوقاف.

سبكي، عبدالوهاب بن على، (بى تا). *طبقات الشافعية الكبرى*. فيصل عيسى البابى الحلبي، بى جا: دار احياء الكتب

العربية.

سجستانى، سليمان بن اشعث، (١٤١٠ق). *السنن*. چاپ اول، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

صدوق، محمد بن على، (١٤٠٤ق). *عيون اخبار الرضا*. الطبعة الأولى، بيروت: الأعلمی للمطبوعات.

صدوق، محمد بن على، (بى تا). *التوحيد*. قم المقدسة: منشورات جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية.

طوسى، ابن حمزه، (١٤١٢ق). *الثاقب فى المناقب*. محقق نبيل رضا علوان، الطبعة الأولى، قم: انصاريان.

طوسى، محمد بن حسن، (١٤١٤ق). *الامالى*. الطبعة الأولى، قم: دارالثقافة.

عاملى، سيدجعفر مرتضى، (١٤٠٣ق / ١٣٦٢ش). *الحياة السياسية الامام الرضا^(ع)*. الطبعة الثانية، بى جا: بى نا.

- عسقلانی، ابن حجر، (۱۴۰۴ق). *تهذیب التهذیب*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- عسقلانی، ابن حجر، (بی تا). *فتح الباری*. چاپ دوم، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.
- عسقلانی، ابن حجر، (بی تا). *نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶ق). *مسند الامام الرضا^(ع)*. مشهد: المؤتمر العالمی الإمام الرضا^(ع).
- غریب، عبدالباسط بن یوسف، (بی تا). *مهذب کتاب دمعته علی التوحید حقیقة القیوریه و آثارها فی واقع الامه*. عمان: بی نا.
- غزالی، ابو حامد محمد، (۱۴۱۷ق). *المستصفی فی علم الاصول*. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- قندوزی حذفی، سلیمان بن ابراهیم، (۱۴۱۶ق). *ینایع الموده لذوی القربی، الطبعة الاولی*. طهران: دارالأسوة للطباعة و النشر.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳). *الاصول من الکافی*. چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کورانی عاملی، علی، (۱۴۳۱ق). *الإمام الکاظم^(ع) سید بغداد و حامیها و شفیعها*. بی جا: بی نا.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مرعشی نجفی، شهاب الدین، (۱۴۰۵ق). *شرح احقاق الحق*. قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- معارف، مجید، (۱۳۸۹). *تاریخ عمومی حدیث*. چاپ یازدهم، تهران: کویر.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا). *الجامع الصحیح*. بیروت: دارالفکر.
- وادعی، ابو عبدالرحمان، (۱۴۲۰ق). *الشفاعة*. چاپ سوم، صنعاء: دارالآثار للنشر و التوزیع.
- هیثمی، احمد بن حجر، (۱۴۲۰ق). *الصواعق المحرقة*. بیروت: دارالکتب العلمیه.